

به نام خدا



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته فرهنگ و زبان های باستانی

موضوع:

بررسی اسطوره تیشتر در متون اوستایی

گردآورنده: فاطمه مولائی فرد

استاد راهنما: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

استاد مشاور: دکتر کیوان زاهدی

۱۳۸۷ / ۱ / ۲۱

شهریور ۸۶

۷۶۷۱۵۱

درج شده در کتابخانه
۸۴
۱۶
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تقديم به همسر عزيزم

چکیده

بی تردید قهرمان اصلی اسطوره ایرانی آزاد سازی آب ها ستاره تیشتر است که به صورت چرخه واربه شکل اسب سپیدی در می آید تا آب های دریای وروکشه را از چنگ اپوشه آزاد کند و خود که فرمانده ستارگان ثابت است سپاهیان ستارگان تیرانداز را که از سوی انگره مینیو برای اختلال در نظم آسمانی گسیل شده اند مغلوب می کند. تیشتر یک ایزد ستاره است که به لحاظ مقام و تعداد قربانی های اهدایی در بند ۵۰ اهورا مزدا و تیشتر را در یک جایگاه قرار داده است در تیشتر یشت نبرد میان سیریوس و ستارگان تیر انداز تحت فرماندهی Pairikā Duzyāiryā مورد ارزیابی قرار می گیرد. تنها موجودی که می توان با ایزد اوستایی مقایسه کرد تیشیه ودایی است که یک قهرماندار کماندار است که تنها دو بار در ریگ ودا ذکر شده است. اکثر ایران شناسان این نکته را مورد بحث قرار داده اند که تیشتر در واقع همان ستاره سیریوس است. در سنت های هندی - ایرانی و مصری - بین النهرینی و چه بسا چینی، ستاره سیریوس با درونمایه ی پیکان و کمان مرتبط است و این درونمایه متعاقبا" در اساطیر و آیین های متعدد با مفاهیمی چون باران ، باروری و طغیان و در نتیجه سال خوب تکرار می شود . در تیشتر یشت سرعت سیریوس با سرعت تیر پرتاب شده توسط آرش مورد مقایسه قرار می گیرد و این تنها یک مقایسه بین سرعت سیریوس با تیر آرش است و هیچ مدرکی دال بر این که در چنین روزی آرش برای تعیین مرزهای پادشاهی تیری پرتاب کرده باشد وجود ندارد.

کلید واژه ها: تیشتر، اپوشه، آرش، تیر، سیریوس، آزادسازی آب ها.

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۲-۳

مقدمه..... ۴-۲۳

فصل اول- تیشتر یشت ، آوانویسی و ترجمه آن

برگردان تیشتر یشت ۲۴-۳۵

آوانوشت و متن اوستایی تیشتر یشت ۳۶-۶۳

فصل دوم- متون اوستایی مربوط به تیشتر همراه آوانوشت و ترجمه

تیشتر در متون دیگر اوستایی..... ۶۴-۶۶

آوانوشت و متون اوستایی مربوط به تیشتر..... ۶۷-۷۸

فصل سوم- بررسی و تحلیل اسطوره تیشتر

تیشتر یشت در اوستا..... ۷۹-۸۴

چگونگی پدید آمدن اسطوره نبرد تیشتر و دیو ایش ۸۴-۸۸

جشن تیرگان..... ۸۹-۹۰

تیر ما سیزده شو..... ۹۱-۹۳

جشن تیرگان و اسطوره آرش کمانگیر..... ۹۳-۱۰۱

جایگاه تیرماه در گاهشماری باستانی..... ۱۰۲

رابطه تیشتر و سیزده بدر..... ۱۰۲-۱۰۵

تیشتر یشت و نیایش باران در فلات ایران ۱۰۶-۱۰۸

ارتباط تیشتر و آیین بستن کستی..... ۱۰۸ . ۱۰۹

جشن تیرگان در میان زردشتیان کنونی..... ۱۰۹-۱۱۰

تیشتر و فصل بارانی..... ۱۱۰-۱۱۴

رابطه تیشتر و تیشیه ودایی..... ۱۱۵-۱۱۶

ایندرا و تیشتر..... ۱۱۷-۱۱۸

یک منبع چینی از تیشتر..... ۱۱۸-۱۱۹

فصل چهارم - نتیجه گیری

نتیجه گیری..... ۱۲۰-۱۲۶

کتابنامه..... ۱۲۷-۱۲۸

پیشگفتار

اوستا ، کتاب مقدس زردشتیان نه تنها به خاطر قداستش اهمیت بسزایی دارد، همچنین برای درک تفکر و منش و نوع زندگی مردم در دوره باستان و در واقع فرهنگ مردم نقش مهمی دارد، زیرا که همگان می دانند زبان و فرهنگ پدیده هایی هستند که برای فهم چگونگی زندگی پیشینیان ، باید از ، آن ها مدد جست و اهمیت شناخت فرهنگ پیشینیان نیز بر هیچکس پوشیده نیست. در میان این ایزدان تیشتر دارای اهمیت زیادی است و به خاطر همین است که پس از سال ها هنوز ردپایی از آیین های مربوط به آن را در ایران مشاهده می کنیم، که در فصل های بعد به آن خواهیم پرداخت . در این تحقیق سعی کرده ام تا در ابتدا توضیح مختصری از یشت های کتاب مقدس اوستا ارائه دهم. سپس شرح مختصری از تیشتر و پس از آن قسمتهای مختلف اوستا که در آنها نامی از این ایزد برده شده ، می آید؛ که البته در ابتدا خط اصلی که برگرفته از کتاب (*Geldner, K.F. (1886) Avesta, the Sacred Books of the Parsis (Stuttgart)* است ، قرارداد که آوانوشت های آن را به روش بارتولومه انجام داده و آورده ام. سپس به تحلیل ایزد تیشتر از جنبه های گوناگون پرداخته و نگرشهای متفاوت نسبت به آن را بیان کرده ام. و آیین هایی که پیشینه آنها به گونه ای به این ایزد مربوط می شود را مختصری شرح داده ام. و همچنین نگرش زردشتیان کنونی نسبت به این ایزد آورده شده است .

در این جا لازم است که به حکم اخلاق علمی از استاد خود نیز نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم : از استاد گرانقدرم دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور که به عنوان راهنما بنده را در این امر یاری نمودند، اگرچه، آنطور که شایسته است؛ نتوانستم از فیض وجود ایشان در دوران تحصیل بهره مند شوم ولی در حساس ترین دوران ، یعنی نگارش پایان نامه مرا یاری نمودند. نهایت قدرانی و

تشکر را می نمایم و همچنین جناب آقای دکتر زاهدی که با مشاوره خود مرا در این امر راهنمایی فرمودند، نهایت تشکر را بنمایم.

فاطمه مولائی فرد

۱۳۸۶/۶/۱۸

مقدمه

یشت از نظر لغوی هم ریشه با کلمه یسن است و معنی تحت اللفظی آن نیز "پرستش و نیایش" است. یشت ها سرودهایی هستند که عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی مانند مهر، ناهید، تیشتر، و غیره اختصاص دارند. در حال حاضر بیست و یک یشت در دست است که همه آنها از نظر قدمتشان یکسان نیستند و نیز نام بعضی از یشت ها با مضمون آن ها مطابقت ندارد. تقسیم بندی هر یشت به بندها که در چاپ های کنونی اوستا معمول است و در نسخه های خطی دیده نمی شود، از ابداعات دانشمندان اوستا شناس عصر حاضر و به منظور سهولت استفاده و ارجاع است، اما هریک از یشت های بزرگ در نسخه های خطی به بخش هایی تقسیم می گردد که اصطلاحاً "کرده" نامیده می شوند. تعداد ابیات در هر کرده ثابت نیست و عبارتی که در آغاز بیت اول هر کرده و عبارتی که در آغاز بیت آخر کرده می آید و ترجیع بند وار تکرار می شود، در بردارنده درون مایه هر یشت است به گونه ای که خصوصیات اصلی ایزد مورد پرستش در آن نمایان است و این یکی از خصوصیات یشت هاست (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۴۵-۴۴)

بخشی از یشتها که به نام یشتهای کهن معروف شده اند، از پیش از زردشت وجود داشته است. این یشتها عبارتند از: یشت ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۹.

۱-۱: وزن یشتها

از آنجا که یشت ها حاصل تلفیق اعتقادات پیش از زردشت و عقاید زردشتی است، برحسب مضمون دو گونه اشعار در آنها قابل تشخیص است. اشعاری که در آنها از اعمال ایزدان و

قهرمانان و شاهان اساطیری با زبانی شاعرانه سخن رفته و در آن ها صور خیال و تشبیهات شاعرانه بکار گرفته شده است و اشعاری که مشتمل بر دعاها و اذکار دینی است و رنگ زردشتی دارد. در غالب اشعار دسته دوم بیشتر به ابیات هفت هجایی و نه هجایی و غیره برمی خوریم. بنابراین می توان احتمال داد که ابیات یشت ها اصولاً "هشت هجایی بوده و بعدها بر اثر انتقال شفاهی اوستا از سینه به سینه، در طی قرون و اعصار، و سپس کتابت در آمدنش، تغییراتی در تعداد هجاها راه یافته است. علاوه بر این، تدوین کنندگان نهایی یشت ها نیز که در پی تلفیق عقاید زردشتی با مطالب ایران قدیم متعلق به پیش از زردشت بوده اند، گاه نتوانسته اند قواعد عروض یشت ها را مراعات کنند. احتمال نیز می رود که جملات مثنوی نیز در میان قطعات موزون راه یافته باشد. از این روست که در بخشهای متاخر یشتهای قدیمی نیز به ابیات غیر هشت هجایی بر می خوریم. بررسی و مقایسه دقیق یشتها و اشعار فارسی میانه و پارتی این نظر را که وزن یشت ها براساس تکیه بوده است، تأیید نمی کند و نظریه هجایی بودن این سرودها همچنان به قوت خود باقی است. (ابوالقاسمی، همان:

(۲۰)

۱-۲- تعریف موضوع تحقیق:

موضوع این تحقیق بررسی اسطوره تیشتر در متون اوستایی و در واقع تحلیل موجودیت و شخصیت این ایزد است که از ایزدان مهم، در کتاب اوستاست، این ایزد که در بند ۵۰ تیشتر یشت هم اشاره شده در شایسته نیایش بودن همپایه با اهورامزداست و در این تحقیق قسمت هایی در اوستا، علاوه بر یشتی که به این ایزد اختصاص دارد، یعنی تیشتر یشت - سایر بخش ها که به تیشتر اشاره شده یعنی فرگرد ۱۹، یسناسنا ۱۱، ۱۶ و در خرده اوستا در نیایش ۱ مورد بررسی قرار گرفته بخصوص آخرین نظرات در مورد این ایزد که توسط آنتونیو پانائینو در نظر گرفته شده است.

۱-۳- سوالهای تحقیق:

- ۱- در کدام قسمت‌های اوستا بجز تیر یشت به این ایزد اشاره شده؟
- ۲- چه آیین‌هایی برگرفته از این اسطوره هنوز برگزار می‌شود؟
- ۳- آیا آیین‌های مربوط به این ایزد ارتباطی با اسطوره آرش کمانگیر هم دارد؟

۱-۴- فرضیه تحقیق:

- بجز در یشت‌ها در یسنا، هات ۱ بند ۱۱، هات ۱۶ بند ۴، هات ۲۷ بند ۲ و در وندیداد فرگرد ۱۹ بند ۳۷ و در خرده اوستا نیایش ۱ بند ۸ از این ایزد ستاره نام برده شده است. که البته به جز یشت‌ها که اطلاعات کامل تری در مورد این ایزد به ما می‌دهد. در قسمت‌های دیگر تنها این ایزد ستایش شده است.

- جشن تیرگان (در برخی مناطق) و جشن تیرماسیزه شو (در مازندران و گیلان) برگزار می‌شود، همچنین در منطقه ای به نام شاهزاده عبدالله (شاه قطب الدین) آیینی برگزار می‌شود که طی آن بختیاری‌ها پس از هزاره‌ها در مواقع قحط سالی و کم بارانی دور بردهایی که مردم آن را رابط بین خود و الهه تیشتر می‌دانند جمع شده و باتکان دادن آنها از ایزد متعال و الهه ی تیشتر تقاضای باران می‌نمایند.

- اسطوره آرش کمانگیر هیچ‌گونه ارتباطی با تیشتر ندارد. و آنچه که در تیشتر یشت به آرش کمانگیر اشاره شده تنها قیاس سرعت تیر آن با سرعت سیریوس بوده است.

۱-۵- پیشینه تحقیق:

زیباترین وصف اسطوره تیشتر و نبرد آسمانی او را در تیشتر یشت میتوان مشاهده کرد. این سرود نیایشی اوستایی بخشی از یشت هاست که نخستین بار به خامه زنده یاد ابراهیم پورداود به پارسی درآمد است (۱۳۴۷ : ۳۳۰ به بعد). گزارش جدیدتر آنرا جلیل دوستخواه در اوستا، کهنترین سرودها و متن هاهی ایرانی (۱۳۷۰ : ۳۲۹-۳۴۳) آورده است. اما جدیدترین گزارش و تحلیل تیشتر یشت را باید از آن آنتونیو پائائینو، ایران شناس ایتالیایی دانست که در پژوهشی دو جلدی خود به بحثی ریشه ای پیرامون اسطوره تیشتر پرداخته است (۱۹۹۵-۱۹۹۰)

۱-۶- ایزد تیشتر

در ایران ما با ایزدی سرو کار داریم که دارای اهمیت فراوانی است. از سویی مستقیماً به زندگی مردم وابسته است و به نوعی حیات آدمیان را تضمین می کند. زیرا که بارش باران را در اختیار دارد و از سویی دیگر از جنبه مذهبی یاور آفریننده است و او را در نبرد با اهریمن یاری می رساند. این ایزد که در اوستا *tištrya* و در پهلوی *tištar* یا *tir* و در ودا نام او به صورت تیشیه *Tišya* آمده است، همان شعرای یمانی یا ستاره شباهنگ است و گروهی تیشتر را همتای میکائیل، فرشته رزق دین یهود و اسلام، نیز پنداشته اند (پورداود، ۱۳۴۷ : ۳۲۵). بنابراین یشت ۸ که از آن اوستا تیشترستاره ای است سپید، درخشنده و دور پیدا. او سرشت آب دارد، تواناست، سرور ستارگان است، در شایسته ستایش دنیایش بودن همسنگ هر رمز آفریده شده. اگر او را بستایند دشمن و بیماریها به سرزمینهای آریایی وارد نخواهد شد (بهار، مهرداد پژوهشی در اساطیر ایران ص ۶۲). همچنین در تیشتر یشت (بند ۴۴) به مقایسه ویژگیهای تیشتر و زردشت پرداخته و به لحاظ مقام و

تعداد قربانیهای اهدائی، در بند ۵۰، اهورا مزدا و تیشتر را در یک جایگاه قرار داده است (Panaino, 1990:1) طلوع او همزمان با تازش دوباره چشمه های آب است، برای طلوعش باید گوسپندی یکرنگ را قربانی کرد. آنگاه او به پیکر مردی جوان و پانزده ساله به پیکر گاوی زرین شاخ و به پیکر اسبی سپید با گوشهای زرین شاخ و لگام زرین خواهد درخشید و آن گاه به دریای فراخکرت خواهد رفت، با دیو اپوش خواهد جنگید. این مقابله نخست سه روز و سه شب به طول می انجامد (یشت ۸ بند ۲۲) و نخست از او شکست خواهد خورد (یشت ۸ بند ۲۲ و ۲۳)، سپس تیشتر به اظهار شکایت می پردازد تا اهورا مزدا برای پیروزی نیایش کند، تنها در این زمان است که تیشتر به نبرد باز می گردد و اپوشه را شکست می دهد. نکته شایان ذکر این است که فرمول سه روز و سه شب در اینجا تکرار نمی شود (یشت ۸، ۲۸). پس به یاری هرمز بر او پیروز خواهد شد؛ آنگاه دریا را به جوش و خروش در خواهد آورد و ابر از دریا بر خواهد خواست و باد آن ابر را به بوم ها خواهد راند و باران خواهد بارید. در تیشتر یشت اوستا (یشت هشتم)، داستان نبرد تیشتر و دیو اپوش آنچنان زیبا توصیف شده که گویی با نمایشنامه ای قوی رو به رو هستیم و بسیار قابلیت های تصویری دارد، در این داستان، تیشتر سه بار باران می آورد، هر بار ده روز تمام. این وقایع در طول یک ماه اتفاق می افتد، یعنی همان ماه تیر.

تیشتر یا ستاره شعرای یمانی سرور همه ستاره هاست؛ زیرا از همه ستارگان پرنورتر است و در راس ستارگان قدر اول قرار دارد و در شرق آسمان است. این ستاره که در زبانهای اروپایی Sirius خوانده می شود، ستاره آلفای صورت فلکی سگ بزرگ، کلب اکبر است با قدی برابر ۱/۵ و مرکب از دو ستاره که دو گانه خوانده می شود. نقش و کارکرد تیشتر در چرخه آزاد سازی آب ها (بویژه در ارتباط با ویژگی نجومی اسطوره) به صراحت این ایزد را بعنوان رهبر در مقابل شهاب سنگ ها یا

ستارگان تیرانداز قراردادده است. امروزه تیشتر ستاره قطبی است که سپاه را رهبری می کند. در حالیکه در گذشته سپاهبد شرقی بود. (Panaino, 1990: 1).

آنطوری که تیشتر در اوستا تعریف شده ابتدا "شکی نمی ماند که این ستاره شعرای یمانی باشد، به قول زمخشری در مقدمه الادب تیشتر ستاره ای است که بنی خزاعه آنرا پرستیدند. اکثر ایران شناسان نیز همچون اشیگل، گایگر، دالا، و بیدز - کمون این نکته را مورد بحث قراردادده اند که تیشتر در واقع همان شعرای یمانی یا سیریوس می باشد. (Panaino, 1990. *ibid*:1) البته با اینکه یشت ۸ به تیشتر یشت موسوم است و روز ۱۳ هر ماه و چهارمین ماه سال تیرروز و تیرماه نامیده می شود. ابتدا "مناسبتی ندارد که سیریوس را به عطارد یا مرکور ترجمه کنیم و تیر را با تیشتر یکی بدانیم. بخصوص در فصل پنجم بندهشن آنچه راجع به تیر و تیشتر آمده قابل توجه می باشد. در فصل مذکور هفت سیاره با هفت ستاره در جنگ و ستیز است. تیر (عطارد) به ضد تیشتر و بهرام (مریخ) به ضد هفتورنگ و غیره ذکر شده است. پس تیشتر، تیر نیست، بلکه با سیاره تیر در تقابل و تضاد است. در گاهان (گات ها) از تیشتر نامی نیست، در دیگر بخش های اوستا (یسنا ۱/۱۱، ۲۷/۴/۱۶، یشت ۷، ۵/۱۸ و نندیداد ۳۷/۱۹) هرگاه به نام او برمیخوریم همیشه در کنار دیگر ایزدان و فرشتگان است. هر جا هم که از او یاد شده منظور فرشته باران بوده است. در تفسیر فارسی "خورشید نیایش" نیز تیشتر بعنوان باران تعبیر شده است (پورد/اود ۱۳۴۷: ۳۲۶-۳۲۵) و اما تعبیر دیگری هم که از تیشتر می شود به عنوان حافظ و نگهبان است؛ پلو تارک در کتاب *ایزیس و ازیزیس*^۱ به نکاتی مهم اشاره می کند: هورفرس و آریمانوس که "نخستین"، به یکی روشنی ناب بخشیده بود و به دومی تاریکی. هورفرس شش ایزد آفرید. اولین آن ها ایزد اندیشه نیک، دومین ایزد حقیقت، سومین ایزد

قانون دوست، دیگری ایزد آفریننده خرد، ایزد ثروت و ایزد لذت در امور نیک و اریمانیوس به همنین تعداد رقیبانی برای آن‌ها آفرید سپس هورمزس که خود را سه برابر گسترد تا خورشید و سپس به زمین و آسمان را با ستارگان آراست. وی در میان ستارگان پیش از استراحت یکی را سیریوس آفرید تا حافظ و نگهبان باشد. وی سپس بیست و چهار ایزد دیگر آفرید و آنان را در تخمی جای داد. اما دیو خدایانی که اریمانیوس آفرید سوراخی در تخم ایجاد کردند. از این رو شرو نیکی با هم در آمیخته شدند. اما زمان محتمل خواهد رسید که اریمانیوس مصیبت و قحطی به بار می‌آورد. اما ناچاراً خود توسط آن از بین می‌رود و نابود می‌شود: آن‌گاه که زمین هموار و صاف خواهد شد و تمام بشر شاهد خواهد بود و به یک زبان سخن خواهند گفت و تحت لوای یک حکومت زندگی خواهند کرد. تئوپومپوس می‌گوید: مطابق نظر مغان به مدت سه هزار سال هر یک از این دو ایزد به تناوب ارباب و بنده خواهند شد و در سه هزار سال بعدی با یکدیگر به نبرد خواهند پرداخت که طی آن هر کدام از کار دیگری ناشاد است. اما در آخر هادس "اورمزد" پیروز خواهد شد و بشر شادمان، نه نیازی به خوراک خواهد داشت و نه سرپناه و ایزد پیروز آرام خواهد گرفت. زمانی که برای یک ایزد چندان بلند نیست اما برای انسان طولانی است. در اینجا ستاره ی نگهبان و محافظ سایرین تنها تیشترمی تواند باشد. این واقعیت که پلو تارک نام ایرانی ستاره سیریوس را ذکر نکرده دلیل کافی برای رد این تشخیص نمی‌باشد. به علاوه این واقعیتی شناخته شده است که یونانیان نمی‌خواستند موجودات "بربرها" را با نام اصلی خود بنامند. گواه دیگری برای نگهبانی و رهبری نیروهای آسمانی توسط سیریوس را می‌توان در (*Teukros of Babylonia*) مشاهده کرد که توسط بیدز - کمون نقل شده است: جایی که آن ستاره پادشاه که در جایگاه اول قرار دارد است.

(Panaino, 1990: 5,6).

رنگ نسبت داده شده به تیشتر نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در واقع واژه اوستایی (auruša) به معنای "سپید" است که البته برخلاف ریشه متناظرش در سانسکریت می باشد که به "سرخ" ترجمه می شود. با این حال بسیاری از منابع باستانی همچون *بین النهرین 1*¹ به سنت های مصری و بین النهرینی به رنگ سرخ ستاره سیریوس یا ستاره تیشتر اشاره کرده اند. در نظر هومر تیشتر ستاره ای است که همچون رنگ سلاحها می درخشد. مشکل اصلی در این نکته است که تیشتر به هیچ وجه ستاره ای سرخ نیست بلکه آبی - سفید می باشد. (Panaino, 1990: 3) کلیه توضیحات ارائه شده در مورد تغییرات ممکن در رنگ ستاره توسط برچر با قوانین فیزیک در تناقض است. چرا که ظاهراً غیر ممکن است سیریوس تنها در سه هزار سال قبل ابر ستاره ای سرخ رنگ بوده باشد. منابع اوستایی از آنجا که رنگ تیشتر را سفید عنوان می کنند اهمیت می یابند؛ چرا که این امر با واقعیات نجومی مطابقت دارد و لذا با منابع باستانی متفاوت است. در هر حال واژه سپید کاملاً برای سیریوس مناسب است و مطمئناً نمی توان از آن برخلاف این تشخیص استفاده کرد. (Panaino, 1990: 3)

جدیدترین توجیه جدید ریشه شناختی نام تیشتر از فورسمن است. به نظر او تیشتریه تحت اللفظ به معنی "با سه ستاره" جزء سوم واژه مشتق از (tri-str-(o-m)) گروه سه ستاره نام قدیمی ستارگان جبار است، یعنی همان کمر بند معروف برج (صورت فلکی) جبار. تیشتر یا شعرای یمانی در حقیقت با این کمر بند در یک رشته قرارداد و به همین دلیل "سه ستاره" یا وابسته به "گروه سه ستاره" نامیده میشود. اطلاعات اساطیری که عمدتاً متعلق به ادبیات سنسکریت است، فرضیه فوق را ثابت میکنند. (Panaino 1995:9-10)

۱-۷- مفهوم ستاره سیریوس

مفهوم ستاره سیریوس به فرهنگ سومری بر میگردد که در آن ستاره مزبور را kak-si-sa یعنی ستاره ی سلاح کماندار می نامیدند. که البته به صورت Siltahu آکدی به معنای پیکان یا Sukudu پیکان، نیز تعبیر میشود. ستاره مزبور یا ماه تموز (مطابق با ماه Thoth در مصر) مرتبط بود که بنا به منابع در این ماه رویت می شد. ماه مزبور از نظر پژوهش بسیار حائز اهمیت است: این ماه به خاطر رویت ستاره مزبور با مراسم جشن آدونیس-تموز همراه بود؛ که بنا به نظر کمون در شبهای بین ۱۹ و ۲۱ جولای (بنا به تقویم یولیانی) در زمان بر آمدن Sirius بر پا می شد. کمون همچنین به گسترش فرهنگ های محاسبه ی نجومی سامی بر پایه ی سال "کیهانی" اشاره میکند. گنولی به تطابق دقیق تری میان کارکردهای تیشتر و ماه های باروری اشاره کرد که به متنی از آیین های سال نوی بابلی ارجاع می دهد که بیان می دارد KAK-SI-SA آب ها را اندازه گیری می کند درست همان گونه که تیشتر ایرانی آب های وروکشه را بلند می کند.

با این حال Sirius در مصر و بین النهرین نیز بسیار عمومیت داشت. همان گونه که می دانیم مصریان از اولین کسانی بودند که از به اصطلاح تقویم (با واژه های قدیمی) lunisolar استفاده می کردند. که سال را به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می کرد و ۵ روز به آن اضافه می شد. این ناظران نخستین متوجه شدند که طغیانهای نیل در حدود زمان آغاز بر آمدن جدید سیریوس (sōthis) (بالا رفتن ایزد بانو sōthis) پس از ۷۰ روز رؤیت نشدن اتفاق می افتد. بنابراین بر آمدن سیریوس به صورت مبنای قابل اعتمادی برای محاسبه سال در آمد. پیوند میان سیریوس و طغیان های نیل بخشی از رابطه پیچیده ای را شکل داد که بر چرخه تیشتر تاثیر گذاشته است.

منابع مصری و بین‌النهرینی موادی برای یک جمع‌بندی اولیه بدست می‌دهد. در مورد سنت مزبور؛ سیریوس از نظر تقویم، جشن‌ها، باروری (چرخه ادونیس - تموز) و بعدها محاسبات نجومی از اهمیت خاصی برخوردار است. به علاوه سیریوس بین‌النهرینی همواره با تصویر یک پیکان تداعی می‌شود.

در مصر حتی در دوران سلطه‌ی رومیان این پیوند با ایزد بانوی sōthis تکرار شد که در نقش و نگار معبد با پیکانی که به سوی sōthis هدف گرفته شده نشان داده می‌شود. این مفهوم حتی در چین نیز بازتاب داشته است که در آن سیریوس (با نام چینی Tiān lǎng xīng) به معنای شغال یا گریگ آسمانی هدف پیکان پرتاب شده توسط امپراتور آسمانی قرار می‌گیرد (Panaino 1995:48).

اسطوره‌ی prajāpati که برای تعریف ریشه‌شناختی تیشتر و تیشیه مهم است؛ نیز شامل یک پیکان (کمر بند جبار) می‌شود که از سوی رودرا-تیشیه پرتاب شده است.

همه این عناصر نشان از آن دارد که در سنت‌های هند و ایرانی و مصری - بین‌النهرینی و چه بسا چینی ستاره سیریوس با درونمایه پیکان و کمان مرتبط است و این درونمایه متعاقباً در اساطیر و آیین‌های دینی متعدد مرتبط با مفاهیمی چون باران، باروری، طغیان و در نتیجه سال خوب تکرار می‌شود.

اولین نکته‌ای که باید تایید نمود این است که ساختارهای اصلی اسطوره‌ی تیشتر با همه‌ی ویژگی‌هایش به میراث کهن مردمان هند و ایرانی تعلق دارد.

اما نکته مورد توجه این که در تیشیه ودایی در حالت جنینی کماندار ستاره شده باقی می ماند و ساده می شود. در حقیقت هر دو فرهنگ پیوند ژرفی میان سیریوس و پیکان یا کماندار برقرار کرده اند. اما تنها سنت ایرانی که باثویت زرتشتی آمیخته گردیده پتانسیل شخصیت تیشتر را با درگیر کردن آن در چرخه آزاد سازی آب ها توسعه می دهد.

در دوره باستان آیین سیریوس در سرتاسر شرق گسترده بود و بر توسعه چرخه تیشتر تاثیر گذاشت. اما هیچ یک از این عناصر غیر آریایی قادر به ایجاد تغییری خود به خودی و سریع بر خط اصلی سنت زردشتی نبوده اند. چنین تاثیراتی هنگامی که فعال بوده اند، در جاهایی که فرهنگ ها با یکدیگر برخورد پیدا می کرده اند؛ با گذر از فیلتر بافت متغیر عمل می کردند. که گاهی منسجم و یکپارچه و گاهی نسبتاً پراکنده بوده ولی همواره در زمان و مکان واسط شده اند. کمک ابتدایی به اسطوره تیشتر شاید از فرهنگ بین النهرین و اهمیتی که آنرا به ستاره - پیکان سیریوس نسبت می دهد مشتق شده باشد. اثرگذاری مضر شاید بعدها صورت گرفته باشد.

۱-۸- ارتباط تیشتر و تیر

Tīrī, Tīr و یا حتی Tīrya ایزدی ایرانی است که احتمالاً ریشه اش غرب آسیا است. تیر همچون "نابو" بین النهرینی با سیاره مرکوری (تیر) مرتبط بود و به حامی نوشتن بدل گردید. Nabu بابلی ایزد نوشتن "آفریننده ی هنرنوشتن" و کاتب خدایان بوده است. به علاوه وی در برخی دوره های بابلی جدید با سیاره ی تیر یکی دانسته شده است. این تداعی شاید در دوران ابتدایی تر نیز به کار برده شده اما منابع آن متاسفانه مشخص نیست.

هیچ سندی از وجود همچنین شخصیتی (تیر) در اوستا به جز یک نام کامل یعنی *Tīrō.nakaəβa* وجود ندارد. بر مبنای فرضیه ای که مری بویس مطرح کرده تصور شده است که *Tīrya* تنها پس از اینکه پارسیان و مادها در سرزمین های تاریخی شان سکنی گزیدند وارد جرگه خدایان ایرانی شد. به علاوه این احتمال نیز وجود دارد اخذ *Tīrya* با واسطه ی یک مقوله اجتماعی خاص که نقش مهمی در ایران باستان ایفا می نمود یعنی کاتبان، صورت پذیرفته باشد، که اهمیت قابل توجهی در آیین به یک ایزد حامی نوشتن قائل شده اند.

تنها در کتاب های پهلوی است که تیر موقعیت مشخصی در ادبیات زردشتی می یابد که این امر خود مشکلات قابل توجهی می آفریند، تیر همچون همه سیارات دیگر در واقع به صورت دیو درآمده است. از این رو طبیعت سیاره تیر به ویژگی های یک دیو دشمن مستقیم تیشتر - احتیاج دارد. از منابعی که در آن به صورت دیو آمده می توان به بهمن یشت بند ۴ اشاره کرد:

تیر در مقابل اورمزد بپا می خیزد و از دشمنان ایران حمایت می کند.

این فرآیند دیو شدگی تا حدی ادامه می یابد که تیر با دیو تیشتر یشت یعنی اپوشه یکی می شود. و در جای دیگر مثلاً "در شایست نشایست فصل ۲۲ فهرستی از موجودات اهورایی آمده که به ترتیب عبارتند از ماه، تیشتر، گوشورون. در حالیکه در فصل ۲۳ همین اثر این توالی را به صورت ماه، تیر، گوش ارائه شده است. در این جا تیر مترادفی برای تیشتر است. احتمالاً همین تفسیر دوم است که جشن تیرگان را که در ماه تیشتر برگزار می شود و این که منجر به نسبت دادن نام تیر به ماه وروز مخصوص ایزد اوستایی می شود تایید می کند (Panaino 1995:66).

در این جا آنچه آشکار می گردد این است که : "سنت تضاد تیشتر و تیر با سنت دیگری که آنها را مرتبط با هم می داند در تعارض قرار می گیرند . هرچند برخی دانشمندان استدلال می کنند که سنت دومی متاخرتر است . اما حقیقت این است که سنت اولی همچنان کارآمدتر باقی می ماند." (Panaino 1995:66) . راه حل احتمالی برای این تضاد موجود ، در منابع وجود دارد و اینست که تیر احتمالاً "یک اکتساب متاخر در آیین زردشتی است . به هر حال نتایجی که می توان از منابع مختلف موجود استنتاج کرد عبارتند از :

نوعی روند تلفیقی در دوره هخامنشیان آغاز شده که نه تنها ارتباط میان تیشتر و تیر که اساس ساختاری نظامی از ارتباطات (غیر مستقیم) میان مرکوری - تیر - نابو و تیشتر - سیریوس - KAK-SI-SA را فراهم آورده است. این فرآیند را می توان به وسیله درونمایه های چرخه با روری و آیین ستاره - پیکان مشترک میان این شخصیتها مورد تجزیه و تحلیل قرار داد .

این فرض که ارتباط ژرفی که سیریوس را به مرکوری ربط می داده در ایران شرقی نیز حفظ گردیده بسیار ساده تر است تا اینکه فرض کنیم شخصیت واحدی با دو نام وجود داشته که به صورتی تناقض آمیز این نام ها از هم متمایز شده است . تا زمانیکه شواهد جدیدی به دست نیاید هیچ مبنایی برای این فرض که تیشتر و تیر در اصل یک ایزد واحدند وجود ندارد . بنابراین تنها می توانیم با نظر بویس موافق باشیم که اعتقاد دارد که تیر توسط ایرانیان در یک دوره نسبتاً متاخر شاید دوران تسلط هخامنشیان اکتساب شد . هرچند نمی توانیم احتمال گسترش محدود در دوران ابتدایی تر را رد کنیم.

با این حال احتمال دارد، که حتی پیش از دیو شدگی سیارات، تیر با تیشتر مرتبط بوده باشد همان طور که قبلاً دیدیم دلایل بسیاری برای این ارتباطات وجود دارد: شباهت دو نام ایزدها همان گونه که